

بررسی راهکارهای تقویت نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۸/۱

شماره مسلسل: ۲۰۱۴۱
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
بررسی راهکارهای تقویت
نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی

نوع گزارش: طرح و لایحه ، نظارتی ، راهبردی

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین:
محمد صادق عبداللهی

همکاران:
محمد محمدشیرازی، امیرمحمد اصفهانی

ناظر علمی:
موسی بیات

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی‌راد

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۳/۰۱/۳۱

واژه‌های کلیدی:
۱. آموزش و پرورش
۲. تقویت مدارس دولتی
۳. تمرکززدایی



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. استدلال توجیهی
۱-۱	۱-۱. تمرکززدایی از ستاد وزارت آموزش و پرورش با تشکیل سازمان‌های استانی آموزش و پرورش و
۹	اعطای اختیارات مالی و اداری به استان‌ها
۱۰	۱-۲. توجه به دوره کودکی با پوشش تحصیلی پیش‌دبستانی و اصلاح محتوای مقطع ابتدایی
۱۱	۱-۳. اصلاح سن آغاز تحصیل به منظور فراهم آوردن فرصت پوشش پیش‌دبستانی
۱۱	۱-۴. ضرورت تنوع‌بخشی به منابع تأمین مالی آموزش و پرورش
۱۳	۱-۵. لزوم تغییرات ساختاری در ستاد وزارت آموزش و پرورش
۱۵	۱-۶. اهمیت شکل‌گیری واحدی عملیاتی برای توزیع امکانات و منابع وزارت آموزش و پرورش
۱۶	۱-۷. ضرورت‌های بازنگری در تقویم آموزشی مدارس و اعطای اختیارات به استان‌ها
۱۷	۱-۸. سامان‌دهی نیروی انسانی به منظور اصلاح نظام توزیع و تربیت معلم
۱۸	۲. راهکارهای سیاستی تقویت نظام آموزش و پرورش عمومی
۲۱	۳. انطباق راهکارهای پیشنهادی با اسناد بالادستی
۲۳	منابع و مآخذ

فهرست شکل‌ها

۱۲	شکل ۱. نمودار سهم وزارت آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت از ابتدای دهه ۱۳۹۰
۱۲	شکل ۲. نمودار سهم بودجه غیرپرسنلی از کل بودجه آموزش و پرورش در ۱۰ سال گذشته
۱۴	شکل ۳. نمودار سازمانی وزارت آموزش و پرورش

فهرست جداول

۲۱	جدول ۱. بررسی پشتوانه مواد طرح پیشنهادی در اسناد بالادستی
----	---



بررسی راهکارهای تقویت نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی

چکیده



نظام آموزش و پرورش با توجه به چالش‌هایی که عمدتاً ریشه در تمرکز شدید اختیارات مالی و اداری در ستاد وزاره‌تخانه دارد، با مشکلات و مسائل روزمره‌ای مواجه است که در تمامی ادوار این وزاره‌تخانه نیز ثابت بوده‌اند و همه وزرای آموزش و پرورش را وادار کرده که بخش عمده‌ای از وقت خود را به حل و فصل پایان‌ناپذیر آنها تخصیص دهند. از سوی دیگر کمبودهای مالی باعث می‌شود که عمده بودجه آموزش و پرورش صرف پرداخت حقوق و دستمزد شود و تقریباً منابعی برای انجام امور کیفیت‌بخشی باقی نماند. همچنین در قیاس با نظام‌های پیشرفته آموزش و پرورش دنیا، خلأهایی همچون اجباری نبودن پیش‌دبستانی در ایران، نبود پایگاه جامع اطلاعاتی برای آگاهی از وضعیت مدارس، حافظه‌محور بودن محتوای آموزشی و عدم ماندگاری معلمان ابتدایی در این مقطع موجبات افت کیفیت آموزشی را فراهم آورده است. بر این اساس در گزارش پیش‌رو ضمن گذری مختصر بر برخی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام آموزش و پرورش، راهکارهایی سیاستی با هدف تقویت مدارس دولتی و با رویکرد مدرسه‌محوری ارائه شده است. این پیشنهادها، آموزش و پرورش را به ایجاد تغییراتی ساختاری و محتوایی سوق می‌دهد تا زیرساختی فراهم آید که موجب تسریع در تحول نظام آموزشی و اجرای سند تحول بنیادین شود. محور اصلی این پیشنهادها، تمرکززدایی از ستاد آموزش و پرورش با ارتقای ادارات کل استانی به سازمان‌های آموزش و پرورش استانی و سپس اعطای اختیارات مالی و اداری از ستاد به سازمان بوده است. همچنین پیشنهادی برای اجباری شدن آموزش‌های پیش‌دبستانی با امکانات فعلی ارائه شده است. موارد مهم دیگری همچون ایجاد پایگاه جامع اطلاعات مدارس و رتبه‌بندی مدارس به تبع آن، اصلاح تقویم آموزشی و اعطای اختیارات به استان‌ها، تعیین مشوق‌هایی برای نگهداشت معلمان در مقطع ابتدایی و تغییراتی در سامان‌دهی نیروی انسانی از دیگر پیشنهادها ذکر شده است.

■ شرح / بیان مسئله

تحول در نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی نیازمند تغییراتی زیرساختی و ایجاد بسترهایی است که بتوان طی آن وزارت آموزش و پرورش را چابک ساخت. در حال حاضر این وزارتخانه با تمرکز شدید اختیارات در ستاد مواجه است و این مسئله باعث شده نه تنها مدیران استانی فاقد اختیارات کافی برای ایجاد تحول در استان‌ها و مدارس باشند، بلکه موجب شده که همواره وزیر آموزش و پرورش و معاونان او، عمده وقت‌شان را برای حل چالش‌هایی روزمره اختصاص دهند. در طرح پیشنهادی پیش‌رو تلاش شده است با شناسایی نقاط و گلوگاه‌های اصلی مسائل و مشکلات وزارت آموزش و پرورش موادی تنظیم شود که بتوانند ضمن تمرکززدایی از وزارت آموزش و پرورش و اعطای اختیارات مالی و اداری به استان‌های کشور، بستری مناسب برای اقدامات تحولی بعدی فراهم سازند. البته طبیعی است که در یک طرح نمی‌توان تمام مسائل و مشکلات را حل کرد، اما امید آن است که این طرح بتواند یک گام آموزش و پرورش را به حل مشکلات و اجرای سند تحول بنیادین نزدیک سازد.

■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

براساس بررسی‌های متعدد کارشناسی در مرکز پژوهش‌های مجلس، برخی از اصلی‌ترین محورهایی که می‌تواند زیرساخت لازم را برای ارتقای نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی و تقویت مدارس دولتی، فراهم کند به شرح ذیل است:

- (۱) تمرکززدایی از ستاد وزارت آموزش و پرورش و اعطای اختیارات مالی و اداری به استان‌ها،
- (۲) توجه به دوره کودکی با پوشش تحصیلی پیش دبستانی و اصلاح محتوای آموزشی مقطع ابتدایی،
- (۳) اصلاح سن آغاز تحصیل به منظور فراهم آوردن فرصت پوشش پیش دبستانی،
- (۴) تنوع بخشی به منابع تأمین مالی آموزش و پرورش،
- (۵) ایجاد تغییرات ساختاری در ستاد وزارت آموزش و پرورش،
- (۶) اهمیت شکل گیری واحدی عملیاتی برای توزیع امکانات و منابع وزارت آموزش و پرورش،
- (۷) اصلاح تقویم آموزشی مدارس و اعطای اختیارات به استان‌ها،
- (۸) سامان دهی نیروی انسانی به منظور اصلاح نظام توزیع و تربیت معلم.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با توجه به محورهای فوق‌الذکر، راهکارهایی که در این گزارش ارائه شده، به شرح ذیل است:

- (۱) تجمیع ادارات کل استانی مرتبط با آموزش و پرورش و ارتقای ساختاری آنها به سازمان آموزش و پرورش استان و تفویض تمامی اختیارات مالی و اداری از ستاد به استان،
- (۲) کاهش سن آغاز تحصیل به «پنج سال تمام» و اصلاح دوره ابتدایی به نحوی که کلاس اول به آموزش‌های پیش دبستانی تخصیص یابد و سایر آموزش‌های عمومی در پنج پایه بعد، ارائه شود،
- (۳) بازنگری در سرفصل‌های پنج پایه دوره ابتدایی (پایه‌های پس از دوره پیش دبستانی) با حذف سرفصل‌های مازاد و غیر ضرور و تغییر رویکرد از حافظه محوری به مهارت محوری، به گونه‌ای که اولویت برنامه درسی در دوره ابتدایی به ارائه سرفصل‌هایی با محوریت برنامه‌های پرورشی، هویتی و آموزش مهارت‌های زندگی با بهره‌مندی از روش‌های کارگاهی و مبتنی بر بازی و سرگرمی باشد،
- (۴) تشکیل «معاونت اقتصادی» در وزارت آموزش و پرورش با اختیار مدیریت و بهره‌وری تمامی امکانات رفاهی و معیشتی فرهنگیان و کلیه ظرفیت‌های درآمد اختصاصی وزارت آموزش و پرورش،



- ۵) تغییر معاونت «برنامه‌ریزی و توسعه منابع» به معاونت «مدیریت سرمایه انسانی» با هدف تمرکز بر سامان‌دهی و ارتقای کیفیت منابع انسانی،
- ۶) ایجاد «معاونت آموزش» با ادغام معاونت ابتدایی و متوسطه به منظور یکپارچه‌سازی مدیریت حوزه آموزش،
- ۷) تشکیل پایگاه جامع اطلاعات مدارس و رتبه‌بندی مدارس بر اساس آن به منظور ایجاد سکویی برای ارزیابی، شفاف‌سازی و پایش عملکرد مدارس و همچنین توزیع متعادل و عادلانه یارانه‌ها، خدمات و امکانات آموزشی و مالی بر اساس واحدهای عملیاتی مدرسه با رویکرد ارتقای مدارس مناطق محروم و کاهش شکاف‌های عدالتی،
- ۸) محاسبه امتیاز طبقه مشاغل آموزشی تمام‌وقت وزارت آموزش و پرورش مشغول در مناطق محروم، روستایی، عشایری، حاشیه کلان‌شهرها و مدارس استثنایی و همچنین مقطع ابتدایی مدارس عادی دولتی در جدول یا جداول حق شغل با ضریب (۱/۳)،
- ۹) پرداخت هزینه رفت و آمد معلمان غیرساکن در مناطق محروم، روستایی، عشایری، حاشیه کلان‌شهرها و مدارس استثنایی تحت‌عنوان فوق‌العاده ایاب و ذهاب در احکام کارگزینی این دست از معلمان،
- ۱۰) تربیت معلمان ویژه سمپاد از بدو جذب در دانشگاه فرهنگیان با ایجاد سرفصل‌ها و دروس مورد نیاز تدریس در مدارس سمپاد مطابق با اهداف تمدنی این مدارس به منظور ماندگاری معلمان با سابقه در مدارس عادی دولتی و تربیت معلم با مهارت‌های ویژه تدریس در مدارس استعدادهای درخشان،
- ۱۱) تنظیم ساعات تدریس معلمان حال حاضر مدارس استعدادهای درخشان و نمونه دولتی به نحوی که هر دبیر حداقل ۱۰ ساعت از ساعات موظف هفتگی خود را در مدارس عادی دولتی تدریس کند،
- ۱۲) بازنگری در سرفصل‌های تربیت معلم به جهت تربیت معلمان چندمهارتی و معلم دروس جدیدالتألیف با اولویت دوره ابتدایی و متوسطه اول،
- ۱۳) اختصاص ۵ تا ۱۰ درصد درآمد خالص سالیانه واحدهای درآمدآفرین به مدیران و پرسنل آن واحد و همچنین تخصیص ۱۰۰ درصدی درآمدهای هر واحد به آن پس از انجام گردش خزانه،
- ۱۴) اصلاح تقویم آموزشی مدارس و اعطای اختیار به استان‌ها ضمن لغو قانون «بازگشایی مدارس در ابتدای مهرماه هر سال» مصوبه سال ۱۳۷۶،
- ۱۵) واگذاری چاپ و توزیع کتب درسی و کمک‌درسی و تمامی بسته‌های یادگیری به منظور اجرای سیاست‌های واگذاری تصدیگری دولتی و تقویت بخش غیردولتی،
- ۱۶) تفکیک درگاه‌های جذب نیروهای اداری و ستادی با نیروهای آموزشی در آزمون‌های استخدامی وزارت آموزش و پرورش. شایان ذکر است که تمامی موارد فوق‌الذکر، در چارچوب اسناد بالادستی و اخذ شده از سند تحول بنیادین یا زیرنظام‌های آن هستند. همچنین هر یک از موارد، دارای گزارش‌های پشتیبان در مرکز پژوهش‌های مجلس است.

۱. استدلال توجیهی

با توجه به مشکلات موجود در کیفیت و عدالت نظام آموزش و پرورش کشور، طرح پیش رو به دنبال آن است که با دست گذاشتن بر اصلی ترین گلوگاه‌های مشکل آفرین در آموزش و پرورش، با تبعیت از اسناد بالادستی به‌ویژه سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش ابلاغی مقام معظم رهبری و سند تحول بنیادین آموزش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مسیرهایی اصلاحی، تحولی و تقویتی را دنبال کند که به‌موجب گره‌گشایی از آنها راه‌حل سایر مسائل و مشکلات نیز هموار شود. در خصوص هر یک از محورهای مذکور گزارش‌های مبسوط و کاملی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌انجام رسیده و در اینجا تنها چکیده‌ای از نتایج حاصله به‌منظور استدلال‌های توجیهی طرح، مرور شده است.

۱-۱. تمرکززدایی از ستاد وزارت آموزش و پرورش با تشکیل سازمان‌های استانی آموزش و پرورش و اعطای اختیارات مالی و اداری به استان‌ها

با وجود پراکندگی‌های جغرافیایی ایران و تفاوت‌های فراوان مناطق آموزشی کشور از حیث مسائل فرهنگی و جغرافیایی، تمامی تصمیم‌گیری‌های مالی و اداری حوزه آموزش و پرورش در پایتخت متمرکز شده است. این تمرکز دو مسئله مشخص را در حکمرانی آموزشی کشور موجب شده است:

الف) ازسویی موجب شده است که تفاوت‌های جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نشود و از این رو بسیاری از تصمیمات اخذ شده با ذهنیت زندگی در کلان‌شهر و غیرمتناسب با مناطق مختلف کشور اخذ شود و در نتیجه عملاً امکان تحقق آنها در سطح شهرستان‌ها ممکن نباشد. ب) ازسوی دیگر تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در تهران موجب شده است که مسئولان کشور به‌ویژه شخص وزیر آموزش و پرورش و معاونان او، عمده روزهای مسئولیت خود را در گیرودار با مسائل و مشکلاتی روزمره به‌ویژه در حوزه اداری و مالی بگذرانند که توان فکر کردن به تحول را از آنها می‌گیرد و وقت و توان آنها را درگیر می‌کند.

این دو چالش در حالی است که می‌توان با تفویض اختیارات مالی و اداری به استان‌ها، ضمن تقویت نقش استان‌های کشور در فرایند تصمیم‌گیری و ملاحظه تفاوت‌های جغرافیایی و همچنین ایجاد انسجام و هم‌افزایی مدیریت آموزشی در استان‌ها، بار مسئولیت امور جاری را از ستاد آموزش و پرورش برداشت تا ستاد بتواند به تحول در آموزش و پرورش و حل مسائل و چالش‌های اساسی و همچنین ارتقای سطح نظارت بپردازد.

قانونگذار با درک چالش‌های فوق‌الذکر و اهمیت تمرکززدایی از ستاد وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۲، [قانون «تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور»](#) را به تصویب رساند، اما با توجه به آنکه ساختار متناسب با این قانون در آموزش و پرورش اعمال نشد و به تبع قوانین و آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های بعدی متناسب با ساختار مورد نیاز قانون شوراهای شکل نگرفته است، عملاً اهداف قانون شوراهای محقق نشد. از این رو در پیشنهاد‌های آمده تلاش شده است ساختاری متناسب با تفویض اختیار و افزایش مشارکت‌های استانی شکل گیرد. بنابراین در چارچوب بند «۶» [سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش](#) مبنی بر «تحول در ساختار مالی، اداری و نظام مدیریتی» و در راستای بند «۳-۳» ماده (۱۰۵) [قانون برنامه هفتم توسعه](#) و بند «۱» از بخش اقدامات اساسی [زیرنظام راهبری و مدیریت نظام تعلیم و تربیت](#)، پیشنهاد شده است ضمن تجمیع ادارات کل مرتبط با آموزش و پرورش در هر استان، سازمان آموزش و پرورش استان شکل گیرد و کلیه اختیارات مالی (اعم از موافقت‌نامه بودجه‌های سنواتی هر استان) و اختیارات اداری (مسئولیت کلیه امور جذب، نگهداشت، انتقال، ارتقا و بازنشستگی نیروی انسانی) (اعم از اداری و آموزشی) در سطوح استانی) از ستاد به سازمان استانی تفویض شود.

ارتقای ادارات کل استانی به سازمان در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ با [مصوبه شورای عالی اداری](#)^۱ در آموزش و پرورش تجربه شد و به اذعان کارهای

۱. مصوبه شماره ۱۵۹۷۵۸/۱۹۰۱ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲ شورای عالی اداری با عنوان «وظایف حوزه مرکزی وزارت آموزش و پرورش شامل امور راهبردی (سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت).



کارشناسی انجام شده و مصاحبه با مسئولان امر، یکی از کارآمدترین ساختارهای آموزشی تجربه شده در آموزش و پرورش بوده است،^۱ اما در سال ۱۳۸۶ پس از تصویب **قانون مدیریت خدمات کشوری**^۲ بی توجه به اقتضات حکمرانی آموزش و پرورش و بدون در نظر گرفتن کارایی مدل جایگزین، به تبعه اصلاح کلیه نظام‌های اداری کشور در بند «ی» ماده (۲۹)، این مدل نیز تغییر کرد که اکنون با گذشت بیش از ۲۰ سال و تجربه اندوخته شده، نیازمند اصلاح است.

در همین راستا شورای عالی اداری نیز به منظور بازنگری در حکم کلی قانون مدیریت خدمات کشوری، در ماده (۴) «دستورالعمل سازمان‌دهی واحدهای سازمانی دستگاه‌های اجرایی در سطوح تقسیمات کشوری»، مصوبه جلسه ۱۹۱ شورای عالی اداری مورخ ۱۴۰۲/۷/۸ تعیین کرده است: «در صورت احراز ضرورت وجود واحد سازمانی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱) در سطوح تقسیمات کشوری، پس از تأیید سازمان اداری و استخدامی کشور، تمامی واحدهای وابسته به دستگاه اجرایی، با رعایت قوانین و مقررات مربوطه در یک واحد سازمانی ادغام و تحت مدیریت واحد قرار می‌گیرند».

۲-۱. توجه به دوره کودکی با پوشش تحصیلی پیش دبستانی و اصلاح محتوای مقطع ابتدایی

نتایج آزمون‌های بین‌المللی از جمله تیمز نشان می‌دهد که هرچه سال‌های حضور دانش‌آموزان در آموزش‌های پیش از دبستان افزایش یابد، میزان پیشرفت تحصیلی آنان نیز ارتقا می‌یابد. در حال حاضر در کشورهایی با بیشترین پیشرفت تحصیلی همچون دانمارک، فنلاند، سنگاپور و نروژ بالای ۸۰ درصد و حتی تا ۹۵ درصد دانش‌آموزان ۳ سال یا بیشتر در آموزش‌های پیش دبستانی حضور دارند، در حالی که در ایران تنها ۱۶ درصد دانش‌آموزان ۳ سال یا بیشتر و ۴۰ درصد ۱ سال در آموزش‌های پیش دبستانی حضور دارند و با این وضعیت ایران از حیث حضور دانش‌آموزان در آموزش‌های پیش دبستانی، رتبه ۴۷ از ۵۸ کشور شرکت کننده در آزمون تیمز را دارد [۱].

از سویی محتوای آموزش داده شده در دوره ابتدایی، دچار چالش‌هایی از قبیل حافظه محوری، محتوای مازاد و محتوای لاینفع است که رهبر معظم انقلاب نیز در دیدار با معلمان مورخ ۱۴۰۱/۲/۲۱ نسبت به آن تذکر داده و فرمودند: «الان در دبیرستان‌های ما و شاید در دبستان‌های ما دانش‌هایی تدریس می‌شود که هیچ فایده‌ای به حال امروز و آینده این دانش‌آموز ندارد؛ یک چیزهایی است، [یک] ذهنیاتی است که یادشان هم می‌رود و در هیچ مسئله زندگی به اینها کمک نمی‌کند، در پیشرفت علم به اینها کمک نمی‌کند؛ اینها را شناسایی کنید، حذف کنید. علم نافع، آن علمی است که بتواند استعداد جوان و نوجوان را شکوفا کند؛ استعداد او را شناسایی کند، آن را در جهت استعداد خودش رشد بدهد، آن استعداد را شکوفا کند؛ برای آینده او سرمایه ذهنی و عملی فراهم بکند؛ این می‌شود علم نافع؛ بعد طبعاً در پیشرفت و تعالی کشور تأثیرگذار خواهد بود، اما اینکه حالا یک مشت محفوظات ناکارآمد را به ذهن دانش‌آموز سرازیر کنیم، نه این [فایده ندارد]. یک بخش از وقت به آموزش و مهارت‌ها صرف بشود که در صحبت آقای وزیر هم بود و خوب است، دنبال کنید این قضیه را. سبک زندگی اسلامی، تعاون، همکاری اجتماعی، اینها را بچه باید در مدرسه یاد بگیرد. نظم و قانون‌گرایی؛ یکی از مشکلات ما مسئله بی‌انضباطی‌هایی است که در زندگی اجتماعی و زندگی خانوادگی و مانند اینها معمولاً وجود دارد؛ ما از نوجوانی و از جوانی باید نظم و انضباط و تبعیت از قانون را یاد بگیریم. روح مطالعه، احساس تحقیق و مطالعه در جوان، در نوجوان می‌تواند نهادینه بشود؛ شما می‌توانید این را به عنوان یک مهارت به او منتقل بکنید. فعالیت‌های جهادی؛ مبارزه با آسیب‌های اجتماعی؛ افراد همه می‌توانند با آسیب‌های اجتماعی مبارزه کنند وقتی که این انگیزه در آنها وجود داشته باشد. این هم یک نکته».^۳

با توجه به آنچه بیان شد، پیشنهاد می‌شود که با آغاز تحصیل از پنج‌سالگی تمام، در سال نخست آموزش‌های پیش دبستانی و سپس در پنج سال بعدی آموزش‌های دوره ابتدایی ارائه شود. برای آموزش پنج‌ساله مقطع ابتدایی نیز پیشنهاد می‌شود با بازنگری در سرفصل‌های فعلی، محتوا به گونه‌ای تنظیم شود که اولویت با آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی و مهارت‌های متناسب با آن با توجه به روش‌های بازی و

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی مبسوط که در دست انتشار است، به ابعاد این تجربه و ضروریات و الزامات احیای آن پرداخت.
۲. بند «ی» ماده (۲۹) مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۲۴: «واحدهای سازمان وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی در مراکز استان‌ها (به استثنای استانداری‌ها) با رعایت ماده (۲۹) این قانون حداکثر در سطح اداره کل سازمان‌دهی می‌شوند و سازمان‌های موجود در این سطح تغییر می‌یابند».

سرگرمی باشد. با این مدل می‌توان با شرایط و امکانات فعلی و بدون ایجاد بار مالی جدید، یک سال آموزش پیش‌دبستانی را اجباری کرد.

۳-۱. اصلاح سن آغاز تحصیل به منظور فراهم آوردن فرصت پوشش پیش‌دبستانی

در حال حاضر سن آغاز تحصیل در نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی ایران ۶ سال تمام است و سن ورود به پیش‌دبستانی اول و دوم که غیر اجباری بوده، ۴ سالگی تمام و پنج‌سالگی تمام است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان همچون آلمان، انگلیس، ژاپن، چین، مجارستان و دانمارک، سن ورود به پیش‌دبستانی ۳ سالگی تمام بوده و در عمده این کشورها حداقل ۳ سال دوره پیش‌دبستانی اجباری است.

با توجه به آنچه که در توضیح بخش (۲-۱) آمد، با اجباری شدن یک‌سال پیش‌دبستانی در مدل مذکور می‌توان سن آغاز تحصیل را نیز یک‌سال کاهش داد و آموزش را با آموزش‌های پیش‌دبستانی از پنج‌سالگی تمام آغاز کرد.

در خصوص آغاز سن تحصیل از پنج‌سالگی تمام این نکته حائز اهمیت است که براساس مبانی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش «در وضعیت فعلی سن ورود به مدرسه ۶ سال تمام می‌باشد که (با عنایت به شواهد تجربی و) در صورت فراهم آمدن شرایط لازم و مناسب می‌توان آن را به ۵ سال تمام تقلیل داد»^۱ در پانویس مربوط به همین حکم نیز در سند مذکور آمده است: «ضمناً در شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی خاص که کودک با محرومیت‌هایی روبه‌رو است یا در مواردی که خانواده توان سرپرستی کودک را ندارند و ورود کودک به نظام تربیت رسمی و عمومی از پایان سن ۴ سالگی است. البته این نوع تربیت جنبه غیررسمی داشته و با هدف کمک به متریبان برای ورود به دوره تربیت رسمی و عمومی همراه با آمادگی‌های لازم صورت می‌گیرد» [۲].

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در صورت کاهش سن آغاز تحصیل، با فرض ۱۲ سال طول دوره آموزش، دانش‌آموز در ۱۷ سالگی از تحصیلات متوسطه دوم فارغ می‌شود. از سوی دیگر مطابق **قانون خدمات و وظیفه عمومی** مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹ در حال حاضر «هر فرد ذکور ایرانی از اول فروردین ماه سال که طی آن سال وارد سن ۱۹ سالگی می‌شود مشمول مقررات خدمت و وظیفه عمومی خواهد شد». بدین جهت با کاهش سن آغاز تحصیل، لازم است سن مشمولیت مقررات خدمات و وظیفه عمومی نیز یک‌سال کاهش یابد.

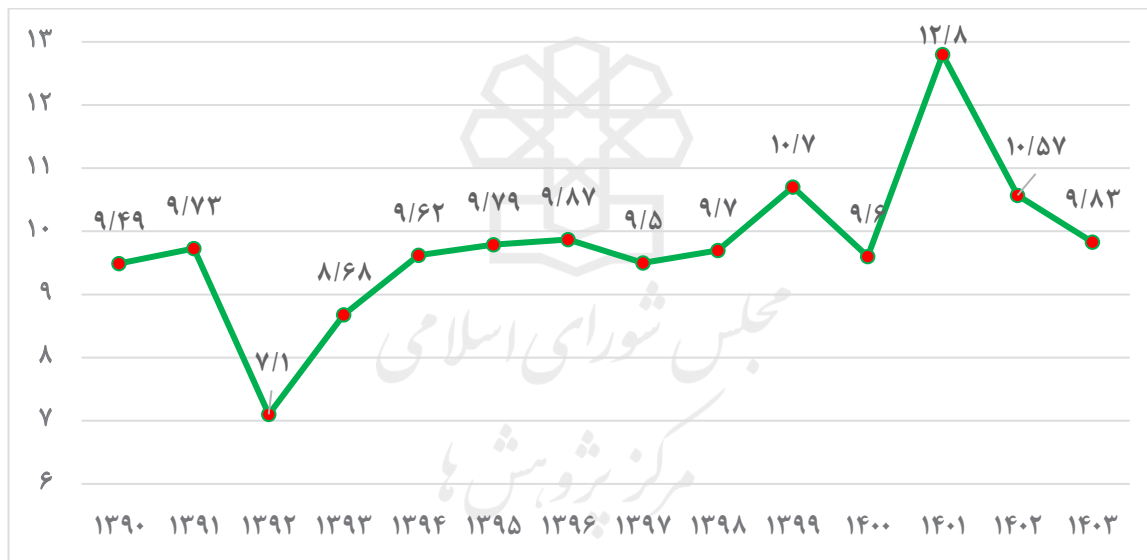
۴-۱. ضرورت تنوع بخشی به منابع تأمین مالی آموزش و پرورش

کمبود منابع مالی و سهم بیش از ۹۸ درصد حقوق و دستمزد در بودجه‌های سنواتی آموزش و پرورش،^۲ موجب مشکلات جدی در امور این وزارتخانه شده است؛ تا حدی که می‌توان کمبود بودجه را علت اصلی سایر مسائل و مشکلات آموزش و پرورش دانست [۳]. از این رو سیاستگذاران بارها تلاش کرده‌اند با تکلیف دولت در اسناد بالادستی، سهم آموزش و پرورش را از منابع بودجه عمومی دولت افزایش دهند. برای مثال در بخش **چشم‌انداز زیرنظام تأمین و تخصیص منابع مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی** مصوبه جلسه ۹۵۶ شورای عالی آموزش و پرورش «سهم بودجه نظام تربیت رسمی عمومی، حداقل به میزان ۲۰ درصد از کل بودجه عمومی دولتی» تعیین شده است. این در حالی است که بررسی بودجه‌های سنواتی از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تا سال جاری که در شکل (۱) آمده است، نشان می‌دهد که به صورت میانگین سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت حدود ۹ درصد بوده است.

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۳۹.
۲. در پنج سال گذشته به‌طور میانگین سهم بودجه‌های غیرپرسنلی در بودجه وزارت آموزش و پرورش کمتر از ۲ درصد بوده است.



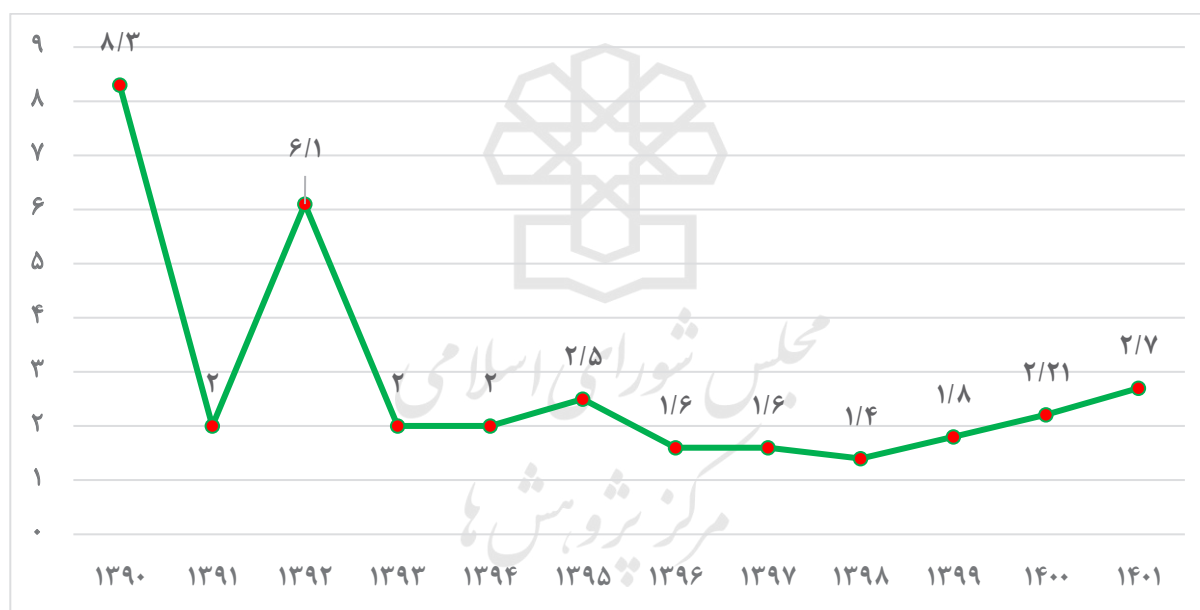
شکل ۱. نمودار سهم وزارت آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت از ابتدای دهه ۱۳۹۰



مأخذ: استخراج شده از بودجه‌های سنواتی.

در عین سهم اندک وزارت آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت، نگاهی به سهم مخارج غیر پرسنلی از اعتبارات جاری مدارس نیز که در شکل (۲) گزارش شده است، نشان می‌دهد که آموزش و پرورش عملاً از انجام امور کیفیت‌بخشی به دلیل کمبود منابع مالی ناتوان است و با بودجه اندک غیر پرسنلی تنها توان اجرای اقداماتی روزمره را دارد.

شکل ۲. نمودار سهم بودجه غیر پرسنلی از کل بودجه آموزش و پرورش در ۱۰ سال گذشته



مأخذ: اخذ شده از وزارت آموزش و پرورش

این وضعیت گویای آن است که دولت با وضعیت فعلی نظام بودجه‌ریزی توان تأمین مالی آموزش و پرورش را بیش از ۹ درصد منابع عمومی بودجه ندارد و همین میزان تأمین مالی دولتی نیز تنها به پرداخت حقوق و دستمزد آن‌هم با انبوه مطالبات و معوقات اختصاص دارد. در این وضعیت آنچه که حائز اهمیت است، تنوع‌بخشی به روش‌های تأمین مالی آموزش و پرورش و گشودن راه‌هایی فراتر از اتکای صرف به تأمین مالی دولتی است. بر این اساس در طرح پیش‌رو تلاش شده است: اولاً، با تعبیه «معاونت اقتصادی» در وزارت آموزش و پرورش متولی ویژه‌ای جهت برنامه‌ریزی مالی و بهره‌وری منابع و ارتقای درآمدهای اختصاصی تعیین شود و ثانیاً، با تعریف پاداش‌هایی ویژه مدیران و مسئولان واحدهای درآمدآفرین، مشوق‌هایی در نظر گرفت که موجب افزایش انگیزه آنان در بهره‌وری حداکثری از منابع درآمدآفرین آموزش و پرورش شود. تنوع‌بخشی به منابع مالی آموزش و پرورش در **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش** نیز مورد تأکید بوده است. در راهکار ۲۰ این سند آمده است: «تأمین، تخصیص و تنوع‌بخشی به منابع مالی، مدیریت مصارف متناسب با نیازهای کمی و کیفی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی». به تبع راهکار مندرج در سند تحول، در برنامه **زیرنظام «تأمین و تخصیص منابع مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی»** نیز به مواردی از قبیل «بهرمندی از منابع صندوق توسعه ملی»، «جذب منابع (مالی و غیرمالی) از مؤسسات بین‌المللی»، «جذب و هدایت منابع مالی خیرخواهانه افراد و نهادها»، «طراحی روش‌های جدید برای کسب درآمد از امکانات وزارت آموزش و پرورش»، «توسعه و ترویج فرهنگ وقف»، «جلوگیری از اتلاف منابع» و «طراحی سازوکارهای مبارزه با فساد مالی و افزونه‌جویی» اشاره شده است.^۱

۵-۱. لزوم تغییرات ساختاری در ستاد وزارت آموزش و پرورش

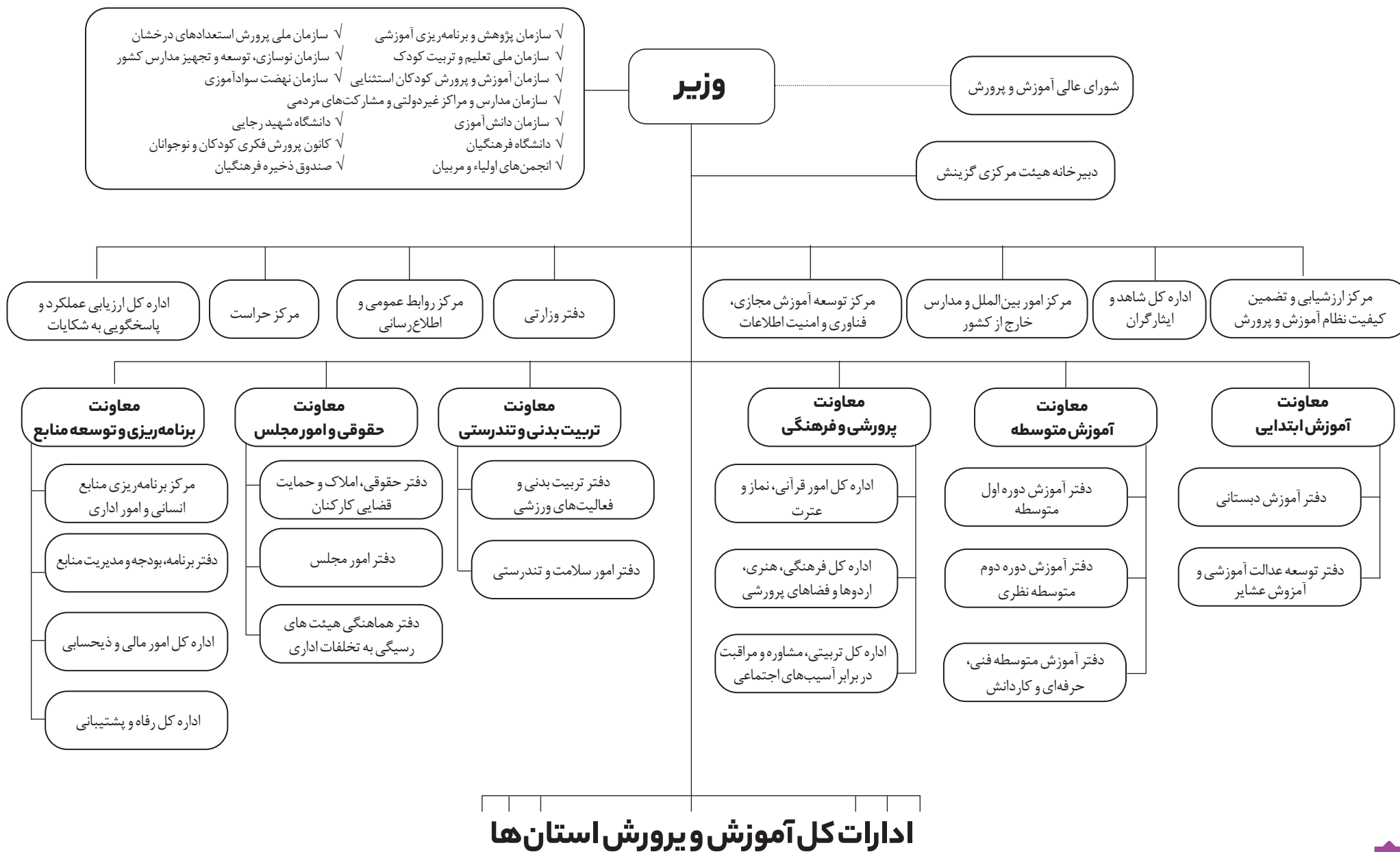
با وجود آنچه که در خصوص اهمیت و لزوم تنوع‌بخشی به منابع درآمدی وزارت آموزش و پرورش گفته شد و از طرف دیگر با وجود سنگینی امور مربوط به سامان‌دهی نیروی انسانی آموزش و پرورش، در حال حاضر تمامی وظایف مالی و اداری این وزارتخانه در معاونت «برنامه‌ریزی و توسعه منابع» متمرکز شده است و این معاونت هم وظیفه برنامه‌ریزی توسعه و بودجه‌ریزی را بر عهده دارد و هم موظف به سامان‌دهی نیروی انسانی آموزش و پرورش است. در حالی که هر دو کار مهم ذکر شده، نیازمند دقت نظر و پیگیری‌های ویژه‌ای است که قابل پیگیری و تجمیع در یک معاونت نیست و عملاً موجب انباشت مسائل و امور می‌شود.

از سوی دیگر در حال حاضر آموزش و پرورش دارای معاونت‌های جداگانه «ابتدایی» و «متوسطه» است که موجب چندگانگی سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه آموزش می‌شود و عملاً مانع یک خط و رویکرد پیوسته، ثابت و یکپارچه در برنامه‌ریزی آموزشی است. این مهم با نگاهی به ساختار سازمانی وزارت آموزش و پرورش نیز خود را نشان می‌دهد. آن‌طور که در شکل (۳) مشهود است در حال حاضر در معاونت ابتدایی تنها دو «دفتر آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی» و «دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر» وجود دارد که بخشی از وظایف «دفتر آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی» نیز در سال ۱۳۹۹ با تصویب «اساسنامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» در شورای عالی انقلاب فرهنگی به این سازمان واگذار شده است؛ فلذا این امکان وجود دارد که معاونت آموزش ابتدایی و معاونت آموزش متوسطه در یکدیگر ادغام شوند.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی مبسوط که در دست انتشار است به الزامات و ضرورت‌های تنوع‌بخشی به منابع مالی وزارت آموزش و پرورش و ظرفیت‌های موجود پرداخت.



شکل ۳. نمودار سازمانی وزارت آموزش و پرورش



با توجه به دو چالش ذکر شده و همچنین آنچه که در خصوص لزوم تنوع بخشی به منابع تأمین مالی آموزش و پرورش ذکر شد، در طرح پیش رو پیشنهاد شده است با ادغام «معاونت ابتدایی» و «معاونت متوسطه» آموزش و پرورش، «معاونت آموزش» شکل گیرد و از سوی دیگر «معاونت برنامه ریزی و توسعه منابع» به دو معاونت «اقتصادی» با اختیار مدیریت امور مالی، بودجه و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش و معاونت «مدیریت سرمایه انسانی» با هدف تمرکز بر سامان دهی و ارتقای کیفیت منابع انسانی تفکیک شود.

از سوی دیگر انفکاک «مرکز فناوری اطلاعات آموزش و پرورش» از بدنه معاونت های آموزش و پرورش و فعالیت آن ذیل مقام وزارت موجب شده است که عملکرد این مرکز عملاً جدای از بدنه وزارتخانه شکل گیرد و به دلیل عدم پیوند با معاونت های مسئول در انجام وظایف خود و ارائه خدمات آماری و اطلاعاتی به معاونت ها دچار چالش شود. لذا با توجه به نزدیکی وظایف این مرکز با وظایف «معاونت مدیریت سرمایه انسانی» به انتقال ذیل معاونت مذکور حکم شده است.

۶-۱. اهمیت شکل گیری واحدی عملیاتی برای توزیع امکانات و منابع وزارت آموزش و پرورش^۱

برقراری عدالت آموزشی و کیفیت بخشی به مدارس نیازمند پیش نیازهایی است که اصلی ترین آنها را می توان ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس به منظور اطلاع آماری دقیق از وضعیت و سپس رتبه بندی مدارس براساس شاخصه های عدالت و کیفیت آموزشی دانست. این پایگاه جامع باید همچون نظام دهک بندی خانوارها در حوزه اقتصادی، منجر به ایجاد پایگاه اطلاعاتی جامعی شود که با اتصال به دیگر پایگاه ها و سامانه های اطلاعاتی مرتبط با وجوه مختلف مدرسه، اطلاعات جامعی را از وضعیت مدارس کشور فراهم سازد. این امر باعث ایجاد پایه ای اطلاعاتی، تحلیلی و محاسباتی خواهد شد که تمام سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های آموزش و پرورش در راستای گسترش عدالت، مبتنی بر آن قرار خواهد گرفت.

محوری ترین کارکرد این پایگاه، یعنی رتبه بندی مدارس، بارها به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اسناد بالادستی آموزش و پرورش مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. برای مثال راهکار ۳-۱۹ [سند تحول بنیادین آموزش و پرورش](#) به صراحت بر «ایجاد نظام رتبه بندی مدارس و مؤسسات آموزش و پرورش به منظور شفاف سازی عملکرد و ارتقای کیفیت و تقویت انگیزه های رقابت منطقی و علمی بین آنان» تکلیف کرده است. در [برنامه زیر نظام راهبری و مدیریت](#) نیز سه برنامه ذیل این راهکار تعیین شده است:

۱. طراحی نظام ارزشیابی عملکرد مدارس و مؤسسات آموزشی و تأثیر یافته های آن در ارزشیابی عملکرد مدیران و معلمان براساس استانداردهای آموزشی،

۲. تدوین برنامه حمایتی و تأمین اعتبارات ویژه برای ارتقا و تضمین کیفیت مدارس مناطق محروم و لازم التوجه،

۳. تدوین و اجرای نظام رتبه بندی مدارس و ارتقای مستمر کیفیت در راستای رقابت پذیر کردن مدارس.

در برنامه زیر نظام [تأمین و تخصیص منابع مالی](#) نیز در اولین مورد ذیل سیاست های اجرایی بر «پیش بینی و توزیع منابع براساس واحد عملیاتی (مدرسه) برای تأمین بیشترین کارایی و کیفیت» تکلیف شده است و همچنین در بند «۱» اقدامات اساسی آمده است: «الگوی توزیع و تخصیص منابع مالی و انسانی و نقشه استقرار واحدهای آموزشی را به گونه ای طراحی و تدوین نماید که ضمن توزیع متعادل و متوازن منابع موجود، زمینه برای ارتقای وضعیت آموزشی و تربیتی تمام مدارس، با اولویت مناطق محروم و مرزی، از طریق بسیج امکانات و اخذ مشارکت های سایر دستگاه های ذی ربط، فراهم آید» که هر دوی این موارد تنها از طریق ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس و سپس رتبه بندی مدارس براساس آن عملیاتی کرد.

البته باید دقت داشت که ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس و رتبه بندی مدارس براساس آن، نیازمند توجه به ظرافت هایی است. برای مثال گروهی از منتقدان مدعی آن هستند که رتبه بندی مدارس اگر مبنای توزیع منابع قرار گیرد، مدارس دارای رتبه های بالا به واسطه عملکرد بهتر در شاخص های مدنظر سیاستگذار، منابع بیشتری را هم جذب می کنند، که این منجر به افزایش ناعدالتی و توزیع ناعادلانه تر منابع خواهد

۱. مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی با عنوان «تقویت نظام آموزش و پرورش (۲): ضرورت ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس» که در تاریخ ۱۴/۷/۱۴۰۳ و با شماره مسلسل ۲۰۰۸۵ به چاپ رسیده، الزامات و ضروریات ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس و رتبه بندی مدارس به تبع آن را بررسی کرده و به ابهامات و انتقادات حول این مسئله پاسخ داده است.



شد. این نگرانی از جمله ضرورت و الزاماتی است که باید مدنظر مجریان طرح و سیاستگذاران قرار گیرد. به عبارت دیگر رتبه‌بندی مدارس دو رود دارد که یک روی آن می‌تواند موجب کاهش بی‌عدالتی و روی دیگر آن می‌تواند موجب بی‌عدالتی شود و این نیازمند مراقبت ویژه و تعبیه سازوکارهای دقیق است. بر این اساس سیاستگذار، ناظر و مجری باید در خط‌ومشی‌گذاری، اجرا و سپس نظارت به گونه‌ای عمل کنند که پایگاه اطلاعات جامع مدارس و نظام رتبه‌بندی عاملی برای دقت در جهت‌دهی منابع و امکانات به سمت مدارس لازم‌التوجه شود و از اتلاف منابع در مدارس و اعمال سلیقه در سرانه‌های آموزشی جلوگیری شود. از سوی دیگر نیز باید امتیازات ویژه و تبعیض‌های مثبتی به نفع مدارس سطح پایین‌تر در نظر گرفت که این مدارس بتوانند خود را از تمامی وجوه ارتقا دهند.

در مجموع می‌توان بیان داشت که در صورت اجرای صحیح و توجه به ظرافت‌ها در سیاستگذاری و اجرا، تحقق نظام رتبه‌بندی دارای مزایای زیادی از جمله «تحقق عدالت آموزشی»، «ایجاد زمینه ارتقای مدارس به سطح مدرسه مطلوب سند تحول بنیادین»، «بسترسازی برای تحقق سیاست مدرسه‌محوری»، «ایجاد امکان سنجش مدیریت مدارس و کارکنان»، «ایجاد زمینه رقابت منطقی و علمی بین مدارس»، «سامان‌دهی کمک‌های خیریه»، «شفاف‌سازی عملکرد» و «ایجاد امکان مشارکت و مطالبه‌گری والدین» خواهد بود. این مهم همچنین دارای لوازمی از جمله «تعیین مؤلفه‌های رتبه‌بندی»، «در نظر گرفتن وجوه مختلف کارکردی مدرسه» و «سنجش سامانه‌ای و برخط» است [۴]. براساس مفاد آمده در اسناد بالادستی و توضیحات ذکر شده، در طرح پیش‌رو وزارت آموزش و پرورش به ایجاد پایگاه جامع اطلاعات مدارس و رتبه‌بندی مدارس براساس آن مکلف شده است.

۷-۱. ضرورت‌های بازنگری در تقویم آموزشی مدارس و اعطای اختیارات به استان‌ها^۱

مطالعات تیمز ۲۰۱۹ در پایه چهارم ابتدایی نشان می‌دهد، با وجود آنکه در سند برنامه درسی ملی، ساعت آموزش مقطع ابتدایی ۹۲۵ ساعت تعیین شده، اما کل ساعت محقق شده آموزش در پایه چهارم ۶۲۷ ساعت است و با این میزان ایران از بین ۵۸ کشور رتبه‌بندی شده براساس ساعات آموزش، در رتبه ۵۸ام نشسته است [۱]. این در حالی است که گزارش پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش نشان می‌دهد که میزان واقعی زمان آموزش بسیار پایین‌تر از عدد به‌دست آمده در مطالعات تیمز است و هر دانش‌آموز ایرانی در دوره ابتدایی عملاً تنها ۵۷۶ ساعت آموزش دریافت می‌کند و این به معنای اتلاف حدود ۴۰ درصدی ساعت آموزش است [۵]. این وضعیت لزوم بازنگری در تقویم آموزشی مدارس و تدبیر برای برخی از مهم‌ترین دلایل اتلاف ساعت آموزش که به شرح ذیل است [۶]، نشان می‌دهد:

۱) **تعطیلات غیررسمی (پنهان):** از این جمله می‌توان به تعطیلات زود هنگام قبل از سال جدید در اسفندماه تا شروع دیر هنگام مدارس بعد از تعطیلات نوروز و تعطیلات تابستان اشاره کرد که به رغم اعلام‌های متعدد و مخالفت مدیران مدارس، به بخشی از رویه کاری مدارس تبدیل شده است.

۲) **شرایط آب و هوایی:** مدارس علاوه بر تعطیلات رسمی در برخی مواقع به دلایل و شرایط خاصی که عموماً اجتناب‌ناپذیر است، تعطیل می‌شوند. آلودگی هوا در کلان‌شهرها، برف و یخبندان و برودت هوا، شیوع بیماری‌های واگیردار (کرونا، آنفلوآنزا و...)، افزایش بیش از حد دما و گرمای طاقت‌فرسا، تراکم ریزگردها در مناطق جنوب غرب (خوزستان، ایلام، کرمانشاه و لرستان) و سیل و آب‌گرفتگی معابر برخی از این مصادیق هستند.

۳) **آداب و رسوم بومی و الگوهای خاص کشاورزی مناطق جغرافیایی:** در مناطق مختلف کشور بعضاً به دلیل پیش‌آمد شرایط خاصی بومی و منطقه‌ای همچون فصل کاشت یا برداشت محصول و همچنین برخی از آداب و رسوم محلی، تعطیلات پیش‌بینی نشده‌ای وجود دارد. برای مثال در برخی از مناطق کودکان در ساعات یا ایام مشخصی در زمین‌های زراعی به والدین کمک می‌کنند که لاجرم به تعطیلی کلاس درس می‌انجامد.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «ضرورت‌های بازنگری در تقویم آموزشی مدارس» که در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۲ و با شماره مسلسل ۱۷۸۹۷ به چاپ رسیده، با بررسی چالش‌های فعلی و پیشنهاد سیاستگذاری در حوزه تقویم آموزشی به ضروریات بازنگری در تقویم آموزشی فعلی پرداخته است.

۴) شرایط اقلیم‌های جغرافیایی مختلف: ایران، کشوری با شرایط متنوع آب‌وهوایی و جغرافیایی است که محدوده‌های آسایش دمایی برای مناطق مختلف کشور متفاوت از یکدیگر است. از این رو شاید نتوان آستانه دمایی مشترکی را در شهرهای مختلف در نظر گرفت که آن را مبنای آغاز و پایان سال تحصیلی قلمداد کرد و این کار عملاً موجب پیش‌آمدن تعطیلاتی می‌شود که به دلیل تعیین قانونی پایان سال تحصیلی امکان جبران آنها وجود ندارد.

موارد اشاره شده در حالی است که براساس قانون «بازگشایی مدارس در ابتدای مهرماه هر سال» مصوب سال ۱۳۷۶ ابتدا و پایان سال تحصیلی به شکلی قانونی تعیین شده و این نوع سیاستگذاری عملاً به معنای نادیده انگاشتن اقتضات بومی و عدم اجازه برای جبران ساعات از دست رفته تحت شرایط فوق‌الذکر است. از این رو در طرح پیش‌رو تلاش شده است تا با لغو قانون مذکور و ایجاد انعطاف در تقویم آموزشی، اختیار تقویم آموزشی به شوراهای استانی آموزش و پرورش اعطا شود. این امر در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش همچون سند تحول بنیادین نیز مورد توجه بوده و به وضوح در راهکار ۲۱-۱۰ به «بازطراحی و سامان‌دهی تقویم سال تحصیلی با رعایت انعطاف و توجه به شرایط اقلیمی و با تأکید بر بهینه‌سازی تعطیلات» اشاره شده است.

۸-۱. سامان‌دهی نیروی انسانی به منظور اصلاح نظام توزیع و تربیت معلم

در حال حاضر نظام توزیع معلم در وزارت آموزش و پرورش به گونه‌ای است که بهترین و با سابقه‌ترین معلمان پس از کسب تجربه در طول سال‌های تدریس به مدارس خاص انتقال می‌یابند و از سوی دیگر توزیع معلم به شکلی انجام می‌پذیرد که مدارس محروم، روستایی و لازم‌التوجه همواره در اولویت آخر توزیع هستند و عمدتاً سرباز معلمان به این مدارس اختصاص داده می‌شوند. بی‌عدالتی و نابرابری در میان آموزگاران و دبیران نیز چالشی دیگر است که موجب عدم تمایل بسیاری از معلمان به مقطع ابتدایی یا مدارس حاشیه شهر و روستا شده است. به این منظور در طرح پیش‌رو تلاش شده است با در نظر گرفتن امتیازاتی برای آموزگاران ابتدایی و معلمان مناطق محروم و لازم‌التوجه، نظام توزیع معلمان به نوعی دست‌خوش اصلاح و به عدالت نزدیک شود.

از سوی دیگر اکنون در گاه جذب وزارت آموزش و پرورش تنها از طریق دانشگاه فرهنگیان، تربیت دبیر شهید رجایی و ظرفیت ماده (۲۸) اساسنامه دانشگاه فرهنگیان است. این مسئله موجب می‌شود نیروهای اداری و ستادی نیز از همین طریق جذب شوند که به منزله هدررفت ظرفیت‌های تربیت معلم است. از این رو لازم است در گاه‌های جذب تفکیک شوند و آزمون استخدامی کارکنان اداری جداگانه انجام شود. این مسئله در برنامه ۵ ذیل راهکار ۸-۵ در «برنامه زیرنظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی» مصوب جلسه ۹۶۵ شورای عالی آموزش و پرورش نیز بدین شکل مورد تأکید قرار گرفته است: «طراحی روش‌ها و سازوکارهای جذب، تأمین، توانمندسازی و به کارگیری منابع انسانی، به تفکیک حوزه‌های آموزشی، پرورشی، اداری و خدماتی از مسیر تربیت معلمان، براساس شاخص‌ها و استانداردهای مرتبط و متناسب با رشته‌ها، دوره‌های تحصیلی و کارراهه شغلی».

از جمله دیگر چالش‌های حوزه نیروی انسانی آموزش و پرورش عدم ارتباط بین برنامه درسی و رشته‌های دانشگاه فرهنگیان با نیاز آموزش و پرورش است. برای نمونه در حال حاضر برخی از کتب آموزشی جدید که به برنامه درسی افزوده شده است، نه تنها معلم و ویژه تربیت نشد، بلکه آموزش‌های لازم نیز به معلمان عرضه نمی‌شود. به نوعی که اکنون کتب پُراهمیت تفکر و سواد رسانه، مدیریت و خانواده، سلامت و بهداشت و... به برنامه درسی مدارس افزوده شده است، اما عدم تربیت معلم تخصصی منجر شده به این دروس توجه ویژه‌ای صورت نگیرد و معمولاً از معلمان غیر تخصصی استفاده شود یا ساعات آموزش این دروس به عنوان ساعات پوششی دروس تخصصی همچون ریاضی، زیست و... استفاده شود. این امر در یک دهه اخیر نیز ملموس بود به نحوی که دروس مهم حرفه‌وفن در متوسطه اول و کار و فناوری در دوره ابتدایی به همین سرنوشت دچار شدند و معلمی برای آنان تربیت نشد. این مهم در پیشنهاد‌های سیاستی نهایی مورد توجه قرار گرفته و پیشنهاد شده است که آموزش و پرورش با بازنگری در سرفصل‌های دانشگاه فرهنگیان و تربیت معلمان چند مهارتی این خلأ را جبران کند.



۲. راهکارهای سیاستی تقویت نظام آموزش و پرورش عمومی

بر اساس آنچه که در بخش استدلال‌های توجیهی بیان شد راهکارهای سیاستی تقویت نظام آموزش و پرورش در قالب طرحی پیشنهادی به قرار ذیل ارائه می‌شود:

ماده (۱) - به منظور تمرکززدایی و چابک‌سازی ساختار وزارت آموزش و پرورش و اعطای اختیارات به استان‌ها، سازمان آموزش و پرورش استان از تجمیع واحدهای استانی وزارت آموزش و پرورش، واحد استانی سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و واحد استانی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دانشگاه فرهنگیان در هر استان تشکیل می‌شود.

تبصره «۱» - به منظور افزایش اختیارات مدیریت و برنامه‌ریزی مالی و اداری و افزایش مسئولیت‌پذیری استان‌ها:

الف) موافقت‌نامه بودجه‌های سنواتی هر استان با نظارت ستاد وزارت آموزش و پرورش فی‌مابین سازمان آموزش و پرورش هر استان و سازمان برنامه و بودجه کشور منعقد می‌شود.

ب) مسئولیت کلیه امور جذب، نگهداشت، انتقال، ارتقا و بازنشستگی نیروی انسانی (اعم از اداری و آموزشی) در سطوح استانی از ستاد وزارت آموزش و پرورش به سازمان انتقال می‌یابد.

تبصره «۲» - وزارت آموزش و پرورش مکلف است، متناسب با تغییرات به وجود آمده، ساختار و تشکیلات تفصیلی جدید خود و نحوه ارتباطات سازمان آموزش و پرورش استان با ستاد را ظرف مدت سه ماه بعد از ابلاغ این قانون تنظیم و به تأیید سازمان اداری و استخدامی برساند.

ماده (۲) - با توجه به راهکار ۱-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقش دوره کودکی در شکل‌دهی پایه‌های شخصیتی و هویتی و همچنین تأثیر آماده‌سازی ذهن برای آموزش در این ایام بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در ادامه دوره تحصیل، از ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ سن ورود به تحصیل به «پنج سال تمام» تقلیل می‌یابد و دوره ابتدایی با حفظ ساختار فعلی به نحوی اصلاح می‌شود که کلاس اول به آموزش‌های پیش‌دبستانی تخصیص یابد و سایر آموزش‌های عمومی در پنج پایه بعد، ارائه شود.

تبصره «۱» - برنامه‌ریزی محتوای دوره پیش‌دبستانی با هدف شکل‌دهی هویت و پایه‌گذاری مهارت‌های زندگی بر عهده سازمان تعلیم و تربیت کودک خواهد بود.

تبصره «۲» - آموزش و پرورش مکلف است ضمن بازنگری در سرفصل‌های پنج پایه دوره ابتدایی (پایه‌های پس از دوره پیش‌دبستانی) با حذف سرفصل‌های مازاد و غیر ضرور و تغییر رویکرد از حافظه‌محوری به مهارت‌محوری، به گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که اولویت برنامه درسی در دوره ابتدایی به ارائه سرفصل‌هایی با محوریت برنامه‌های پرورشی، هویتی و آموزش مهارت‌های زندگی با بهره‌مندی از روش‌های کارگاهی و مبتنی بر بازی و سرگرمی باشد.

تبصره «۳» - از مدت اجرای این قانون تا اجرای نظام فوق، آموزش و پرورش موظف است از بین معلمان ابتدایی، مربیان لازم برای دوره پیش‌دبستانی را با ارائه آموزش‌های ضمن خدمت تربیت نماید و همچنین با بازنگری سرفصل‌های دانشگاه فرهنگیان مهارت‌های ویژه این دوره تحصیلی را به شکل تخصصی در سرفصل‌های خود منظور نماید.

تبصره «۴» - با عنایت به کاهش سن اتمام تحصیل پس از اجرایی شدن این قانون، ماده (۲) قانون خدمات وظیفه عمومی به شرح ذیل اصلاح می‌شود: «ماده (۲) - هر فرد ذکور ایرانی که مطابق قانون تقویت نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی از پنج سالگی تمام تحصیلات را آغاز کرده است، از اول فروردین ماه سالی که طی آن وارد سن ۱۸ سالگی می‌شود، مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی خواهد شد. سایر افراد از اول فروردین ماه سالی که طی آن وارد سن ۱۹ سالگی می‌شوند، مشمول مقررات خدمت وظیفه عمومی خواهند شد».

ماده (۳) - در راستای بند «۵» راهبردهای کلان و راهکار ۵-۲۰ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش مکلف است

سه ماه پس از اجرای این قانون با همکاری سازمان اداری و استخدامی، ضمن بازنگری در ساختار فعلی وزارت آموزش و پرورش نسبت به موارد ذیل اقدام نماید:

الف) ایجاد «معاونت اقتصادی» وزارت آموزش و پرورش با اختیار مدیریت و بهره‌وری تمامی امکانات رفاهی و معیشتی فرهنگیان و کلیه ظرفیت‌های درآمد اختصاصی وزارت آموزش و پرورش از جمله تعاونی‌ها، هتل‌ها و مراکز اسکان، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و... با هدف افزایش درآمدهای اختصاصی و ارتقاء وضعیت معیشتی معلمان و خدمت‌رسانی به آنها؛

تبصره «۱»- کلیه امور مالی، بودجه و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش به «معاونت اقتصادی» انتقال می‌یابد.

ب) تغییر معاونت «برنامه‌ریزی و توسعه منابع» به معاونت «مدیریت سرمایه انسانی» با هدف تمرکز بر سامان‌دهی و ارتقاء کیفیت منابع انسانی؛

ج) انتقال «مرکز فناوری اطلاعات آموزش و پرورش» به معاونت «مدیریت سرمایه انسانی»؛

د) ایجاد «معاونت آموزش» با ادغام معاونت ابتدایی و متوسطه به منظور یکپارچه‌سازی مدیریت حوزه آموزش.

ماده (۴)- در راستای راهکار ۳-۱۹ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزش و پرورش موظف است به منظور ایجاد سکویی برای ارزیابی، شفاف‌سازی و پایش عملکرد مدارس و همچنین توزیع متعادل و عادلانه یارانه‌ها، خدمات و امکانات آموزشی و مالی بر اساس واحد عملیاتی مدرسه با رویکرد ارتقای مدارس مناطق محروم و کاهش شکاف‌های عدالتی، با تجمیع تمامی اطلاعات و آمارهای مربوط به مدارس سراسر کشور، پایگاه جامع اطلاعات مدرسه را با نظارت شورای عالی آموزش و پرورش ایجاد کند و سپس مبتنی بر آن، رتبه‌بندی مدارس را با لحاظ شاخص‌های آموزشی و پرورشی (از جمله سرانه فضای آموزشی، سرانه فضای پرورشی، وضعیت کمی و کیفی نیروی انسانی، تجهیزات آموزشی و پرورشی و ورزشی، خروجی فرایندهای یاددهی-یادگیری، وضعیت و ظرفیت‌های درآمد اختصاصی و وضعیت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان و اولیای آنان) اعمال کند. وزارت متبوع مکلف است، آیین‌نامه رتبه‌بندی مدارس را سه ماه پس از تصویب این قانون تدوین و در مراجع ذیصلاح به تصویب رساند.

تبصره «۱»- پایگاه اطلاعات جامع مدارس که مبنای رتبه‌بندی مدارس است، در ابتدای تابستان هر سال و پیش از آغاز ثبت نام مدارس به‌روزرسانی می‌شود و تنها رتبه احراز شده هر مدرسه به اطلاع عموم می‌رسد.

تبصره «۲»- به منظور نظارت‌های پسینی و مقابله با تعارض منافع پس از استقرار پایگاه اطلاعات جامع مدارس و نظام رتبه‌بندی مدارس، آموزش و پرورش مکلف است دسترسی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه‌بودجه و سازمان اداری و استخدامی را به سطوح مختلف این پایگاه فراهم آورد.

ماده (۵)- به منظور ارتقای سطح کیفی و ماندگاری معلمان در مناطق محروم و روستایی و تقویت معلمان مدارس دولتی^۱:

الف) امتیاز طبقه مشاغل آموزشی تمام‌وقت وزارت آموزش و پرورش مشغول در مناطق محروم، روستایی، عشایری، حاشیه کلان‌شهرها و مدارس استثنایی و همچنین مقطع ابتدایی مدارس عادی دولتی در جدول یا جداول حق شغل با ضریب (۱/۳) محاسبه می‌شود.

ب) هزینه رفت و آمد معلمان غیر ساکن در مناطق محروم، روستایی، عشایری، حاشیه کلان‌شهرها و مدارس استثنایی تحت عنوان فوق‌العاده ایاب و ذهاب در احکام کارگزینی این دست از معلمان در نظر گرفته می‌شود. نرخ این ردیف متناسب با بوم هر منطقه و محل مأموریت، سالیانه با استعلام سازمان‌های آموزش و پرورش استانی از شهرداری‌ها تعیین می‌شود.

ج) سازمان نهضت سوادآموزی موظف است مأموریت ریشه‌کنی بی‌سوادی را تنها از طریق آموزگاران ابتدایی سراسر کشور ضمن جبران خدمات آنها انجام دهد.

۱. این ماده دارای بار مالی بوده و تنها در صورتی قابل طرح در مجلس شورای اسلامی است که مواد پیشنهادی در قالب لایحه به مجلس تقدیم شود یا اینکه منابع تأمین بار مالی آن در مجلس تعیین و در متن مصوبه درج شود.



د) به منظور ماندگاری معلمان با سابقه در مدارس عادی دولتی و تربیت معلم با مهارت‌های ویژه تدریس در مدارس استعداد‌های درخشان، آموزش و پرورش با همکاری سازمان اداری و استخدامی مکلف است از ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ با ایجاد سرفصل‌ها و دروس مورد نیاز تدریس در مدارس استعداد‌های درخشان مطابق با اهداف تمدنی این مدارس، معلمان ویژه استعداد‌های درخشان را از بدو جذب در دانشگاه فرهنگیان تفکیک نماید.

تبصره «۱»- وزارت آموزش و پرورش موظف است ساعات تدریس دبیران مدارس استعداد‌های درخشان و نمونه دولتی را که غیر از مسیر موضوع بند «د» مشغول به خدمت می‌باشند، به گونه‌ای تنظیم کند که هر دبیر حداقل ۱۰ ساعت از ساعات موظف هفتگی خود را در مدارس عادی دولتی تدریس نماید.

ه) وزارت آموزش و پرورش مکلف است با بازنگری در سرفصل‌های تربیت معلم ضمن تربیت معلمان چندمهارتی، برای تمامی دروس جدیدالتألیف با اولویت دوره ابتدایی و متوسطه اول معلم مورد نیاز را تربیت و تأمین کند.

ماده (۶)- در راستای راهکار ۵-۲۰ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به منظور سامان‌دهی و افزایش انگیزه مدیران برای درآمدهای اختصاصی وزارت آموزش و پرورش:

الف) ۵ تا ۱۰ درصد از درآمدهای سالیانه واحدهای درآمدآفرین به تشخیص رؤسای سازمان‌های استانی در قالب پاداش به مدیران و پرسنل آن واحد تعلق می‌گیرد.

ب) ۱۰۰ درصد درآمدهای اختصاصی هر واحد درآمدآفرین پس از واریز به خزانه در ردیف جداگانه به صورت درآمد- هزینه و صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته به همان واحدها اختصاص می‌یابد.

ماده (۷)- وزارت آموزش و پرورش موظف است ظرف مدت حداکثر ۶ ماه، براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با رویکرد انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار، نسبت به تدوین سند مدیریت زمان آموزش در مدارس، مشتمل بر موارد زیر اقدام کند و به تصویب هیئت وزیران برساند:

الف) شروع و پایان سال تحصیلی با تأکید بر ۱۲ ماه،

ب) تعیین زمان فعالیت‌های آموزش و یادگیری به تفکیک دوره- پایه و درس در راستای تحقق تربیت تمام‌ساحتی، تنوع‌بخشی به محیط‌های یادگیری، تنوع روش‌ها و اقسام ارائه آموزش (حضور، غیرحضور و ترکیبی)،

ج) تعیین زمان حضور معلمان و کارکنان مدرسه شامل ساعات تدریس، طراحی آموزشی، فعالیت‌های تربیتی و پژوهشی با لزوم جبران خدمات ایشان،

د) تعیین برنامه‌های ثابت مدارس همانند محدوده زمانی برگزاری امتحانات نهایی کشوری و کنکور سراسری.

تبصره «۱»- سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها موظفند با مشورت شوراهای آموزش و پرورش هر استان بر مبنای ساعات آموزشی دوره‌ها و دروس که از سوی وزارت آموزش و پرورش به تصویب می‌رسد نسبت به توزیع زمانی اجرای برنامه‌های آموزشی- تربیتی، زمان برگزاری امتحانات (به استثنای امتحانات نهایی) و تعیین تعطیلات فصلی، تابستانی و منطقه‌ای اقدام کنند.

تبصره «۲»- اختیار تعطیلی و بازگشایی مدارس در مواقع ضروری و پیش‌بینی نشده به عهده سازمان آموزش و پرورش استان است و تصمیمات اتخاذ شده توسط رئیس سازمان ابلاغ می‌شود.

تبصره «۳»- سازمان آموزش و پرورش استان موظف است با هماهنگی شورای آموزش و پرورش شهرستان در قالب ساعات آموزشی دوره‌ها و دروس که از سوی وزارت آموزش و پرورش به تصویب می‌رسد، نسبت به تعیین روزهای فعالیت مدارس در هفته و ساعت شروع و پایان فعالیت آنها در هر روز اقدام و مصوبات مربوط را حداقل سه ماه قبل از آغاز سال تحصیلی ابلاغ کند. مدارس موظفند تقویم آموزشی سال تحصیلی

خود را بر این اساس تنظیم و به اطلاع اولیا، دانش آموزان و کارکنان مدرسه برسانند.

ماده (۸) - به منظور اجرای سیاست‌های واگذاری تصدیگری دولتی و تقویت بخش غیردولتی، وزارت آموزش و پرورش موظف است چاپ و توزیع کتب درسی و کمک درسی و تمامی بسته‌های یادگیری را حداکثر تا یک سال پس از لازم الاجرا شدن این قانون به بخش غیردولتی واگذار نماید.

ماده (۹) - وزارت آموزش و پرورش مکلف است در هماهنگی با سازمان اداری و استخدامی نسبت به تفکیک درگاه‌های جذب نیروهای اداری و ستادی با نیروهای آموزشی اقدام نماید. پس از تفکیک مدنظر، سازمان سنجش، سازمان اداری و استخدامی و وزارت آموزش و پرورش مکلفند آزمون‌های استخدامی خود را به تفکیک آموزشی و اداری برگزار نمایند.

۳. انطباق راهکارهای پیشنهادی با اسناد بالادستی

در جدول ذیل انطباق مواد پیشنهادی طرح آمده با اسناد بالادستی بررسی شده است.

جدول ۱. بررسی پشتوانه مواد طرح پیشنهادی در اسناد بالادستی

ماده	سند بالادستی	مفاد
	بند (۶) سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش	تحول در ساختار مالی، اداری و نظام مدیریتی با تأکید بر: ۱-۶- بازمهندسی ساختار اداری در کلیه سطوح با رویکرد چابک‌سازی، پویاسازی همراه با ظرفیت‌سازی، فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای تقویت مشارکت‌های مردمی و غیردولتی، منطبق بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام اداری و آموزش و پرورش؛ به ویژه ایجاد زمینه مشارکت معلمان، خانواده‌ها، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و سایر نهادهای عمومی و دستگاه‌های اجرایی در فرایند تعلیم و تربیت.
	بند «۳-۳» ماده (۱۰۵) قانون برنامه هفتم توسعه	۳- دستگاه‌های اجرایی با همکاری سازمان اداری و استخدامی کشور در سال اول برنامه پس از تصویب شورای عالی اداری مکلفند: ۳-۳- نسبت به انتقال آن دسته از تصدی‌های قابل واگذاری به استان‌ها و شهرستان‌ها با رویکرد امکان اتخاذ تصمیمات بهینه محلی اقدام نمایند.
۱	بند (۱۱) از بخش اقدامات اساسی زیرنظام راهبری و مدیریت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران	وزارت آموزش و پرورش موظف است: (۱) نسبت به چابک‌سازی اداری و تشکیلاتی از سطح ستاد تا مناطق با هماهنگی مراجع ذی‌ربط به گونه‌ای اقدام نماید که تعداد ادارات آموزش و پرورش مناطق کشور تا پایان برنامه هفتم متناسب با ساختار تقسیمات کشوری شود. (۲) در راستای رویکرد کاهش تمرکز، مشارکت‌پذیری و ارتقای جایگاه مدارس با رعایت اصل حاکمیتی بودن آموزش و پرورش نسبت به واگذاری حداکثری اختیارات آموزشی و تربیتی به مدارس اقدام نماید.
	ماده (۴) دستورالعمل سازمان‌دهی واحدهای سازمانی دستگاه‌های اجرایی در سطوح تقسیمات کشوری (مصوبه جلسه ۱۹۱ شورای عالی اداری مورخ ۱۴۰۲/۷/۸)	در صورت احراز ضرورت وجود واحد سازمانی دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۱) در سطوح تقسیمات کشوری، پس از تأیید سازمان اداری و استخدامی کشور، تمامی واحدهای وابسته به دستگاه اجرایی، با رعایت قوانین و مقررات مربوطه در یک واحد سازمانی ادغام و تحت مدیریت واحد قرار می‌گیرند.
۲	راهکار ۱-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	راهکار ۱-۵. تعمیم دوره پیش‌دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی‌الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی.



ماده	سند بالادستی	مفاد
۳	بند «۵» راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۵. تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام‌المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (هدف‌های کلان، ۵، ۲، ۳ و ۷).
	راهکار ۳-۱۲. ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان با سامان‌دهی مناسب خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی آنان.	
	راهکار ۴-۵. اولویت‌بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای رشد، توانمندسازی و مهارت‌آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش‌آموزان مناطق محروم و مرزی.	
	راهکار ۵-۲۰. طراحی سازوکارهای تنوع‌بخشی به منابع مالی دولتی و غیردولتی از قبیل موقوفات و امور خیریه.	
۴	راهکار ۳-۱۹. ایجاد نظام رتبه‌بندی مدارس و موسسات آموزش و پرورش به‌منظور شفاف‌سازی عملکرد و ارتقای کیفیت و تقویت انگیزه‌های رقابت منطقی و علمی بین آنان.	
	بند «۱۱» سیاست‌های اجرایی برنامه زیرنظام تأمین و تخصیص منابع مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی	پیش‌بینی و توزیع منابع براساس واحد عملیاتی (مدرسه) برای تأمین بیشترین کارایی و کیفیت
۵	راهکار ۲-۱۲. فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات متناسب برای جذب و نگهداشت نیروهای کارآمد در دوره ابتدایی و تقویت نگاه تخصصی زیربنایی به این دوره تحصیلی.	
	راهکار ۸-۵. سامان‌دهی و به‌کارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور.	
۶	راهکار ۵-۲۰. طراحی سازوکارهای تنوع‌بخشی به منابع مالی دولتی و غیردولتی از قبیل موقوفات و امور خیریه.	
	برنامه ۴ زیرنظام «تأمین و تخصیص منابع مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ذیل راهکار ۵-۲۰»	طراحی سازوکارها و روش‌های جدید برای کسب درآمد آموزشی و فرهنگی از امکانات وزارت آموزش و پرورش برای تأمین بخشی از مخارج مدارس.
۷	راهکار ۱۰-۲۱. بازطراحی و سامان‌دهی تقویم سال تحصیلی با رعایت انعطاف و توجه به شرایط اقلیمی و با تأکید بر بهینه‌سازی تعطیلات.	
	بند «۲» ماده (۴) قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور	ماده (۴) - وظایف و اختیارات شورای استان به شرح زیر است: ۲ - تصویب تقویم آموزشی مناطق تابعه با توجه به شرایط اقلیمی و جمعیتی هر منطقه.
۸	راهکار ۳-۹. توسعه مشارکت بخش‌های دولتی و غیردولتی در انجام امور به تولید، چاپ و توزیع مواد و منابع آموزشی در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش با تأکید بر سیاست تولید بسته‌های آموزشی و سیاست چند تألیفی در کتاب‌های درسی.	
	بند «۱۴» اقدامات اساسی زیرنظام تأمین و تخصیص منابع مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی	برای اجرای سیاست‌های واگذاری تصدیگری دولتی و تقویت بخش غیردولتی، تولید، چاپ و توزیع کتب درسی و کمک درسی را (حداکثر تا پایان سال دوم پس از تصویب برنامه زیرنظام) به بخش غیردولتی واگذار کند و نظارت و کنترل بر چاپ آن را به‌عهده گیرد.
۹	برنامه ۵ زیرنظام «تأمین منابع انسانی آموزش و پرورش» ذیل راهکار ۸-۵	طراحی روش‌ها و سازوکارهای جذب، تأمین، توانمندسازی و به‌کارگیری منابع انسانی، به تفکیک حوزه‌های «آموزشی»، «پرورشی»، «اداری» و «خدماتی» از مسیر تربیت معلمان، براساس شاخص‌ها و استانداردهای مرتبط و متناسب با رشته‌ها، دوره‌های تحصیلی و کارراه شغلی.



- [۱] کیفیت آموزش ریاضیات و علوم در آموزش و پرورش ایران و جهان (واکاوی یافته‌های مطالعه تیمز ۲۰۱۹)؛ کبیری، مسعود. کار مشترک پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان؛ زمستان ۱۴۰۰.
- [۲] مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ آذرماه ۱۳۹۰.
- [۳] گزارش کارشناسی «بررسی اعتبارات وزارت آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۱۴۰۳»؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ شماره مسلسل ۱۹۷۵۴؛ اردیبهشت ۱۴۰۳.
- [۴] گزارش کارشناسی «تقویت نظام آموزش و پرورش (۲): ضرورت ایجاد پایگاه اطلاعات جامع مدارس»؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ شماره مسلسل ۲۰۰۸۵؛ مهرماه ۱۴۰۳.
- [۵] گزارش «تحلیلی بر کاستی‌های زمان آموزش در ایران با تأکید بر دوره ابتدایی»؛ مرکز مطالعات تیمز و پرلز؛ پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- [۶] گزارش «ضرورت‌های بازنگری در تقویم آموزشی مدارس»؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ شماره مسلسل ۱۷۸۹۷؛ آذرماه ۱۴۰۰.

گزیده سیاستی

حل چالش‌های آموزش و پرورش نیازمند زیرساخت‌هایی است که اصلی‌ترین آن تمرکززدایی از ستاد و تفویض اختیارات به استان‌هاست. همچنین مواردی از جمله توسعه آموزش پیش‌دبستانی، اصلاح تقویم آموزشی، بازنگری در سامان‌دهی نیروی انسانی، تغییرات ساختاری و ایجاد معاونت اقتصادی از دیگر ملزومات تحول و حل مشکلات است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir